

افت تحصیلی در ایالات متحده آمریکا و علل آن

معرفی مقاله

ترجمه و تلخیص
امان‌الله صفوی

افت تحصیلی یکی از مشکلاتی است که معمولاً نظامهای آموزش و پرورش جهانی با آن دست به گریبانند و در حقیقت آفتی است که به محصول آموزش و پرورش کشورها لطمه می‌زند و کارایی و باروری نظامها را با نقصان روبه‌رو می‌سازد. گرچه علل افت تحصیلی با توجه به شرایط اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی می‌تواند متفاوت باشد ولی در زمینه‌های کلی این علتها وجوه مشترک می‌توان یافت.

طی سالهای اخیر (۸۵- ۱۹۸۰) تحقیقات رسمی مختلفی در زمینه مشکلات و نارساییهای آموزش و پرورش ایالات متحده به عمل آمده است که در آنها از جمله مسئله افت نیز مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. آگاهی از نتایج تحقیقات تربیتی سایر کشورها، ضمن اینکه خوانندگان را با مسائل جهانی آموزش و پرورش آشنا می‌کند، رهنمودی نیز برای انجام پژوهشهای مشابه به دست می‌دهد. مقاله حاضر که با استفاده از «مجله تحقیقات تربیتی»، از انتشارات انجمن تحقیقات تربیتی ایالات متحده آمریکا، تهیه شده است علل افت را در آن کشور مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. در این مقاله منظور از افت، ترک تحصیل دانش‌آموز قبل از فارغ‌التحصیلی است.

فصلنامه

علتهای مختلفی در مسئله افت تحصیلی دخیل هستند. اینگونه دلایل و علتهای آن می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: علل مربوط به تحصیل دانش‌آموز در مدرسه
— علل مربوط به شرایط خانوادگی
— و دلایل مربوط به عوامل اقتصادی.

بررسیهای انجام شده در ایالات متحده آمریکا نشان می‌دهد که عوامل تحصیلی مربوط به مدرسه عمده‌ترین دلیل ترک تحصیل در دبیرستان است. حدود یک سوم افرادی که ترک تحصیل کرده‌اند، ضعیف بودن در درس را دلیل ترک تحصیل قلمداد نموده‌اند و یک سوم هم اظهار داشته‌اند که «مدرسه به درد من نمی‌خورد». علاوه بر این، محصلین پسر تمایل بر آن داشته‌اند که دلیل ترک تحصیل خود را به عدم سازگاری معلم با آنها و اخراج شدن و یا رفوزگی نسبت دهند. دومین دسته از عواملی که در شکست دانش‌آموزان در تکمیل دوره دبیرستان دخالت داشته است به شرایط خانوادگی آنها مربوط می‌شود. حاملگی زودرس یکی از این دلایل است. در میان دانش‌آموزان مؤنث که ترک تحصیل کرده‌اند، بیش از یک پنجم از سفیدپوستان و یک چهارم اقلیتها، حاملگی را علت افت ذکر کرده‌اند. بسیاری از دانش‌آموزان، ازدواج و طسرح تشکیل خانواده را به عنوان علت ترک تحصیل معرفی کرده‌اند. اینگونه تعهدات خانوادگی برای محصلین مؤنث بیشتر مطرح بوده است. در میان دانش‌آموزان مؤنث، بیش از یک سوم سفیدپوستان و یک پنجم اقلیتها گزارش داده‌اند که به علت ازدواج به تحصیلات خود ادامه نداده‌اند. در مقایسه ۷٪ افراد مذکر سفید پوست و اقلیتها ازدواج را دلیل ترک تحصیل دانسته‌اند. از سوی دیگر دانش‌آموزانی که به دلایلی فقط با یکی از والدین خود زندگی می‌کنند، دو برابر بیش از کسانی که با هر دو (پدر و مادر) به سر می‌برند افت تحصیلی داشته‌اند. همچنین معلوم شده است که نامساعد بودن وضع خانوادگی احتمال افت تحصیلی را افزایش دهد. مسائل اقتصادی سومین عاملی است که با افت تحصیلی رابطه دارد. بیش از یک چهارم محصلین مذکر گفته‌اند که به علت اشتغال به کار از ادامه تحصیل باز مانده‌اند و ده درصد از دانش‌آموزان مؤنث نیز به همین نکته اشاره کرده‌اند. علاوه بر آن، بیش از یک پنجم اقلیتها و یک دهم از سفیدپوستان مذکر اظهار داشته‌اند که به علت تعهدات خانوادگی تحصیلات خود را رها ساخته‌اند. این نسبت، برای افراد مؤنث سفید پوست و اقلیتها ده درصد بوده است. شواهد اخیر در آمریکا نشان می‌دهد که استخدام نوجوانان بیش از گذشته صورت می‌گیرد. یکی از تحقیقات^۱ حاکی از آن است که ۲۵ درصد از کلیه نوجوانان ۱۴ ساله در سال ۱۹۷۹، حداقل به طور نیمه وقت مشغول کار بوده‌اند و همراه با افزایش سن بر میزان استخدام آنان افزوده شده است، به طوری که بیش از ۵۰ درصد نوجوانان ۱۷ ساله در همان سال به کار گرفته شده بودند. بررسی^۲ دیگری نشان داده است که شدت مشغله کاری نوجوانان زیاد است

به طوری که ناچار ندر هر هفته ۱۵ تا ۱۸ ساعت کار کنند. این تحقیق نشان می‌دهد که زیاد بودن کار در افت تحصیلی مؤثر بوده است.

در حالی که تصور می‌شود که عوامل خانوادگی و اقتصادی مؤثر در افت تحصیلی از حیثه کار مدارس بیرون است، ولی به نظر می‌رسد که اصلاح کار مدارس به طور غیر مستقیم می‌تواند در این امر تأثیر بگذارد. به عنوان مثال، داشتن برنامه‌ای برای مادران و تدارک دیدن کار ضمن تحصیل از طریق مدرسه برای دانش‌آموزان، نمونه‌هایی از اقداماتی است که به طور غیر مستقیم بر مسئله افت اثر می‌گذارد.

ارتقاء استاندارد تحصیلی و رابطه آن با افت

طی سالهای اخیر کمیسیونهای مختلفی در ایالات متحده آمریکا در گزارشهای خود توصیه کرده‌اند که سطح استاندارد تحصیلات افزایش یابد. در تفسیر این پیشنهادات گفته شده است که ارتقاء استاندارد تحصیلی ممکن است افت دانش‌آموزان را افزایش و یا کاهش دهد. لیکن قبل از پرداختن به این امر پیشنهادات مندرج در گزارشات کمیسیونهای مختلف را طبقه‌بندی می‌کنیم:

- ۱ - کمیسیون آموزش و پرورش ایالتها^۳ پیشنهاد کرده است که استاندارد تحصیلی در سه زمینه ارتقاء پیدا کند: محتوا، زمان آموختن، موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان.
- ۲ - کمیسیون ملی اعتلای آموزش و پرورش^۲ طرفدار آن است که کلیه دانش‌آموزان دبیرستانی پنج درس اساسی زیر را بگذرانند: چهار سال زبان انگلیسی، سه سال هر یک از دروس ریاضیات، علوم تجربی، و علوم اجتماعی، یک نیمسال علوم کامپیوتری. از آنجایی که بسیاری از دانش‌آموزان دبیرستانی درسهای فوق را نمی‌گذرانند پیشنهاد آن کمیسیون، برنامه سنگین‌تر و دشوارتری را برای این قبیل دانش‌آموزان در پی دارد.
- ۳ - کمیسیون ملی انجمن علوم^۵ پیشنهاد کرده است که درسهای علوم تجربی و ریاضیات افزایش یابند و کمیسیون دیگری^۶ نظر داده است که دروس غیر ضروری حذف شود. با وجود این، پیام کلی کمیسیونها یکی است و جملگی خواستار آنند که به دروس اساسی اهمیت بیشتری داده شود و استاندارد تحصیلی ارتقاء یابد. ولی چنانچه این پیشنهادات پذیرفته شود و به اجرا درآید، دانش‌آموزان امکانات محدودتری برای انتخاب دروس خواهند داشت و برنامه دبیرستانی به درسهای کمتری محدود خواهد شد.

۴ - توصیه برخی از کمیسیونها حتی از اینهم فراتر رفته و توجه به درسهای اساسی را کافی نمی‌دانند. مثلاً یکی از آنها^۷ خواستار توجه بیشتر به مهارتهای سطح بالا نظیر مهارت در بحث، مهارت در نوشتن، و مهارت در حل مسئله در کلیه زمینه‌های برنامه درسی شده است تا

تأکید بیش از حدی که در حال حاضر بر حفظ کردن مطالب می‌شود، خنثی گردد. دومین زمینه‌ای که در گزارش تعدادی از کمیسیونها از آن طرفداری شده است، افزایش زمان آموختن است. کمیسیون ملی اعتلای آموزش و پرورش توصیه کرده است که با افزایش ساعات کار روزانه در مدارس و افزودن بر طول سال تحصیلی (اضافه کردن بر روزهای یک سال تحصیلی)، زمان بیشتری برای یاددهی و یادگیری صرف گردد. این کمیسیون و سایر کمیسیونها گفته‌اند که باید بر میزان تکالیف درسی دانش‌آموزان در خانه افزوده شود. سرانجام، در تعدادی از گزارشات آمده است که باید از اوقات مدرسه استفاده بهتری به عمل آید. در یکی از گزارشات توصیه شده است که قبل از افزایش تقویم تحصیلی باید از اوقات موجود به نحو احسن استفاده شود، اتخاذ سیستمهای انضباطی شدیدتر، احتمالاً موجب استفاده بهتری از اوقات تحصیل در مدرسه می‌شود.

سومین موردی که به طرفداری از ارتقاء استاندارد تحصیلی بدان اشاره شده است به ملاک موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان مربوط می‌گردد. یکی از توصیه‌ها این است که از نمرات درسی به عنوان تنها شاخص موفقیت تحصیلی استفاده شود. این پیشنهاد بدین معنی است که به استفاده از نمره به عنوان عامل تشویقی و انگیزشی خاتمه داده شود. همچنین گفته شده است که قبل از ورود به دبیرستان از دانش‌آموزان امتحان زبان انگلیسی به عمل آید و در تعطیلات تابستانی کمبودهای آنان در این زمینه جبران شود. کمیسیون ملی اعتلای آموزش و پرورش توصیه می‌کند که در پایان مقاطع تحصیلی به ویژه هنگام انتقال از دبیرستان به کالج از آزمونهای (استاندارد) موفقیت تحصیلی استفاده شود. همچنین این کمیسیون پیشنهاد می‌کند که کالجها و دانشگاهها شرایط ورود و پذیرش دانشجو را سخت‌تر سازند.

البته هیچ یک از این توصیه‌ها تا هنگامی که عملاً به اجرا در نیاید بر مسئله افت اثری نخواهد داشت. توصیه‌های اصلاحی یاد شده در سطح گسترده‌ای مورد قبول واقع شده و اقدامات سریعی نیز در خصوص آنها، در سطح ایالتی به عمل آمده است. تا سال ۱۹۸۴، حداقل چهل ایالت بر تعداد درسهایی که برای فارغ‌التحصیلی دوره دبیرستان لازم است افزوده‌اند. بیست و سه ایالت برای افزایش ساعات درس در مدارس، اقداماتی به عمل آورده‌اند. برخی از نواحی محلی تکالیف درسی دانش‌آموزان را افزایش داده‌اند. مثلاً در شهر اوکلاهما برای دانش‌آموزان ابتدایی ۳۰ دقیقه و برای دانش‌آموزان دبیرستانی ۲ ساعت تکلیف شبانه تعیین شده است. تا سال ۱۹۸۴ تعداد ۲۹ ایالت نوعی آزمون موفقیت تحصیلی ایالتی به کار برده‌اند و ۱۳ ایالت چنین برنامه‌هایی را مورد ملاحظه قرار داده‌اند.

اثرات مثبت ارتقاء استاندارد تحصیلی

نتایج مثبت ارتقاء استاندارد تحصیلی جهت محصلین آمریکایی را تنها از این حیث می‌توان توجیه کرد که با این کار ممکن است دانش‌آموز برای اینکه خود را به سطحی بالاتر از سطح کنونی برساند، به کوشش و فعالیت بیشتری دست بزند. بنابراین، سؤال مهمی که برای تحقیق باقی می‌ماند این است که رابطه بین ارتقاء استاندارد تحصیلی و کوشش بیشتر دانش‌آموز در امر تحصیل و انجام تکالیف درسی مشخص شود. آیا دانش‌آموز با کوشش و فعالیت بیشتر نسبت به ارتقاء استانداردهای تحصیلی واکنش نشان خواهد داد؟ سؤال دقیق‌تر آن است که آیا توصیه‌های کمیسیونهای یاد شده مبنی بر توجه به دروس اساسی، افزایش زمان آموختن، و به کارگیری آزمونهای پیشرفت تحصیلی در سطحی بالاتر از سطح معمول موجب افزایش جدیت دانش‌آموز و بیشتر شدن موفقیت تحصیلی او خواهد شد؟

یکی از بررسیها^۱ نشان می‌دهد که توصیه کمیسیونها مبنی بر توجه به دروس اساسی و تکمیل آنها توسط دانش‌آموزان در مورد دانش‌آموزانی که معدل نمرات آنها پایین بوده است اثر ناچیزی داشته است و آنان در پاسخ دادن به آزمون پیشرفت تحصیلی موفقیت چندانی از خود نشان نداده‌اند، بررسیهای انجام شده حاکی از آن است که بین افزایش زمان آموختن و موفقیت تحصیلی رابطه مثبت وجود دارد. ولی ممکن است این امر در مورد تمام دانش‌آموزان و در کلیه شرایط صادق نباشد. تحقیقات انجام شده در مورد رابطه تکلیف درسی و موفقیت تحصیلی حاکی از آن است که صرف وقت بیشتر برای انجام تکلیف در منزل به طور معنی‌دار و مثبتی بر نمرات آزمون پیشرفت تحصیلی اثر داشته است و این تأثیر در مورد کلیه دانش‌آموزان با تواناییهای مختلف مثبت بوده است. یکی از بررسیها مشخص کرده است که دانش‌آموزان ضعیفی که هفته‌ای ۱ تا ۳ ساعت وقت برای انجام تکالیف در خانه صرف کرده‌اند توانسته‌اند نمراتی معادل دانش‌آموزان متوسطی که هیچ تکلیف درسی در خانه انجام نداده‌اند به دست آورند.

پژوهشهای انجام شده در مورد دانش‌آموزان دوره ابتدایی نشان می‌دهد که هرگاه سطح انتظار معلم از دانش‌آموزان بیشتر باشد، آنان کوشش بیشتری از خود نشان می‌دهند و میزان موفقیت تحصیلی آنان بیشتر است. سطح استاندارد کار معلمان در دبیرستان نیز در میزان تلاش بیشتر دانش‌آموزان مؤثر بوده است. بدین ترتیب که در کلاسهایی که سطح استاندارد کار معلم و انتظارات او بالاتر بوده، موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان نیز زیادتر بوده است. ولی این نتیجه نیز به دست آمده است که بالا بودن سطح استاندارد و انتظارات معلم ممکن است در دانش‌آموزان ضعیف اثر منفی داشته باشد.

به طور خلاصه، می‌توان نتیجه گرفت که ارتقاء استانداردهای تحصیلی در سطوح ابتدایی

و متوسطه می‌تواند دانش‌آموزان را به تلاش بیشتری وادار سازد و در نتیجه میزان پیشرفت تحصیلی نیز بالا رود. با وجود این معلوم نیست که این قاعده در مورد کلیه دانش‌آموزان و در تمام شرایط صادق باشد. دخیل بودن عوامل متعدد در افت تحصیلی قضیه را پیچیده می‌کند و ارتقاء استاندارد تحصیلی ممکن است به طور ناخواسته به نتایج منفی منجر شود.

• اثرات منفی ارتقاء استاندارد تحصیلی

در بررسیهای انجام شده در مورد توصیه کمیسیونهای مختلف به چند اثر منفی اشاره شده است:

الف - داشتن برنامه واحد برای کلیه دانش‌آموزان و تأکید بر دروس اساسی و محدود ساختن دامنه موضوعات و محتوای دروس سبب قشربندی بیشتر دانش‌آموزان بر اساس استعداد می‌گردد. زیرا، محدود ساختن محتوا موجب می‌شود که کلیه دانش‌آموزان موضوعات مشابهی را مطالعه کنند و در چنین حالتی تفاوت استعدادهای آنان ظاهر می‌شود و دانش‌آموزان بااستعداد و کم‌استعداد از یکدیگر متمایز می‌گردند. آنان چنین احساس می‌کنند که داشتن استعداد، تنها عامل موفقیت در تحصیل است و در اینجاست که قشربندی دانش‌آموزان رخ می‌دهد. در این میان، احتمال می‌رود که شاگردان ضعیف مکرراً به شکست تحصیلی دچار شوند. در حالی که تنوع در موضوعات درسی باعث می‌شود که هر دانش‌آموزی مطابق استعداد خود به موفقیتی نایل آید.

ب - در مورد افزایش زمان تحصیل، مدارس به دو شکل می‌توانند عمل کنند. یکی اینکه مدت زمان تحصیل در مدرسه را افزایش دهند و دیگر اینکه تکلیف درسی بیشتری برای دانش‌آموزان در نظر بگیرند. از آنجا که زمان عامل ثابت و محدودی است، افزایش زمان تحصیل به هر شکل، ممکن است بین انتظاراتی که مدرسه از دانش‌آموز دارد و انتظاراتی که در زندگی شخصی و خانوادگی و اشتغال بر عهده اوست تعارض ایجاد کند. همچنین افزایش زمان تحصیل در مدرسه با فعالیتهای فوق برنامه تعارض به وجود می‌آورد. شرکت در فعالیتهای فوق برنامه اثرات مثبتی در زمینه پیشرفت تحصیلی، کاهش بزهکاری، و علاقه‌مندی به مدرسه داشته است.

ج - چنانچه سطح موفقیت تحصیلی بالا رود و شرایط قبولی دشوار گردد احتمال می‌رود که این امر موجبات شکست بیشتر دانش‌آموزان را بدون اینکه راه چاره‌ای برای رفع آن وجود داشته باشد فراهم سازد. مقایسه فارغ‌التحصیلان مدارس متوسطه با کسانی که ترک تحصیل کرده‌اند نشان داده است که ترک تحصیل کنندگان از نظر اجتماعی - اقتصادی در سطح پایین‌تری قرار داشته‌اند، استعداد یادگیری مطالب نظری و مهارتهای خواندن در آنان

ضعیف بوده است، و میزان غیبت و فرار از مدرسه و ناسازگاری اجتماعی آنان بالا بوده است، رفتار پر خاشگروانه داشته‌اند و به مصرف مشروبات الکلی و مواد مخدر و بزهکاری روی آورده‌اند. بررسیهای انجام شده حاکی از آن است که این انحرافات و اکنشهایی است در قبال شکست تحصیلی افراد. بنابراین، چنانچه شرایط قبولی و سطح استاندارد تحصیلی افزایش یابد محرومیتهای ناشی از عدم موفقیت در پیشرفت تحصیلی به دنبال خواهد داشت. به طور کلی، چنانچه سطح استاندارد تحصیلی افزایش یابد و تدارکات کافی برای کمک به دانش‌آموزان فراهم نگردد پیش‌بینی می‌شود که دانش‌آموزان محروم لطمه بیشتری خواهند خورد و میزان غیبت، فرار از مدرسه، بزهکاری، و افت تحصیلی افزایش خواهد یافت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع و زیر نویسها:

- 1 - Michael and Turna 1983.
- 2 - D'Amico, 1984.
- 3 - Educational Commission of States, 1983.
- 4 - National Commission on Excellence in Education, 1983.
- 5 - National Science Board Commission, 1983.
- 6 - Task Force on Education for Economic Growth, 1983.
- 7 - Goodlad, 1983.
- 8 - Alexander and Pallas, 1984.

Review of

Educational Research

A Quarterly Publication of the

American Educational Research Association Winter 1985 Vol. 55 No. 4